

بیش شماره ششم

نشریه (داخلی) معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی
نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

امام صادق (ع) می فرمایند:

برای هر چیز ثوابی معین است؛ جز اشکی که برای
ما ریخته می شود که ثواب آن با خداست
الکسیرالعبادات فی اسرارالشهادات ص ۹۹

یکی از بزرگترین نعمت ها، نعمت خاطره و یاد حسین
بن علی (ع)، یعنی نعمت مجالس عزا، نعمت محرم و
نعمت عاشورا برای جامعه شیعه ماست.

امام خامنه ای (مدظله العالی) ۱۳۷۳/۳/۱۷

دینی و زندگی

استفتائات امام خامنه ای (مدظله العالی) - تقلید

س ۱: آیا تقلید صرفاً یک مسئله عقلی است یا ادله شرعی هم دارد؟
ج: تقلید ادله شرعی دارد و عقل نیز حکم می کند که شخص ناآگاه به
احکام دین باید به مجتهد جامع الشرایط مراجعه کند.

س ۲: به نظر شریف حضر تعالی، عمل به احتیاط بهتر است یا تقلید؟
ج: چون عمل به احتیاط مستلزم شناسایی موارد و چگونگی احتیاط و
صرف وقت بیشتر است، بهتر آن است که مکلف در احکام دین از مجتهد
جامع الشرایط تقلید کند.

س ۳: قلمرو احتیاط در احکام دین در بین فتاوی فقها چه اندازه
است؟ آیا رعایت آراء فقیهان گذشته هم لازم است؟
ج: مراد از احتیاط در موارد آن، رعایت همه احتمالات فقهی است، به
طوری که مکلف مطمئن شود که به وظیفه خود عمل کرده است.

س ۴: دخترم به زودی به سن تکلیف می رسد و باید برای خود
مروج تقلیدی انتخاب کند، اما درک مسئله تقلید برای او دشوار
است، وظیفه ما نسبت به او چیست؟
ج: اگر وی به تنهایی نمی تواند وظیفه شرعی خود را در اینباره تشخیص
دهد، وظیفه شما ارشاد و راهنمایی اوست.

س ۵: نزد فقها معروف است که تشخیص موضوعات احکام به عهده
خود مکلف است و وظیفه مجتهد تشخیص حکم است، ولی در عین
حال مجتهدین در بسیاری موارد، در تشخیص موضوعات احکام نیز
اظهار نظر می کنند، آیا متابعت از نظر مجتهد در موضوع نیز واجب
است؟

ج: تشخیص موضوع، موکول به نظر خود مکلف است و متابعت از مجتهد
در تشخیص موضوع واجب نیست، مگر آنکه به آن تشخیص اطمینان پیدا
کند و یا موضوع از موضوعاتی باشد که تشخیص آن نیاز به استنباط دارد.

اعتقادی

اثبات وجود خداوند:

پیش از بحث درباره خداوند و آثار و صفات او، باید ابتدا وجود خداوند را
به نحو معقول مورد اثبات قرار دهیم. یعنی ابتدا به عنوان فردی که نسبت به
وجود خداوند هیچ نظر ایجابی یا سلبی ندارد، قضیه وجود خداوند را مورد
نظر قرار می دهیم و به اثبات وجود خداوند می پردازیم.

برای اثبات وجود خداوند دلایل و براهین زیادی اقامه شده است که هر
کدام دارای مقدمات و مؤخراتی است. بر همین اساس ما یکی از ساده ترین
و سهل الوصول ترین دلایل عقلی اثبات وجود خدا را، به زبان ساده و همراه
با توضیحات ذکر می نمایم که برای خوانندگان نشریه قابل فهم باشد:

موجودات از نظر وجود داشتن از دو حال خارج نیستند، یا وجود برای آن
ممکن است که به آن ها ممکن الوجود می گوئیم، (یعنی برای موجود شدن به
موجود دیگری نیازمندند که علت وجود آن ها باشد؛ پس ممکن است وجود داشته
باشند یا وجود نداشته باشند مانند ما انسان ها که وجود داشتن برای ما ضرورتی
ندارد و هر آتی ممکن است وجود از ما سلب شود همانطور که قبلا هم وجود
نداشتیم)، یا وجود برای آن ضرورت دارد که به آن واجب الوجود اطلاق می
شود و برای موجود شدن به علت وجود آورنده نیازمند نیست؛ (یعنی به
هیچ وجه نمی توان وجود را از آن موجود سلب کرد). البته موجوداتی که ما در
اطراف خود می بینیم همگی ممکن الوجودند و برخی علت برخی دیگر یا
در عرض همدیگرند؛ ولی اگر همه موجودات، ممکن الوجود باشند، باید
سلسله ای بی نهایت از موجودات ممکن الوجود داشته باشیم که علت و
معلول یکدیگر خواهند بود که عقلاً چنین چیزی محال است و در جهان
خارج، سلسله بی نهایت از موجودات نداریم. در نتیجه باید این سلسله
موجودات به یک موجود اولیه یا علت نخستین ختم شود که وجود برای او
ضرورت داشته باشد که خودش معلول علتی نیست. آن موجود همان واجب
الوجود است که در رأس سلسله موجودات قرار دارد و همه موجودات دیگر
ممکن الوجوداتی هستند که وجود خود را از او می گیرند. با این توضیح
وجود خداوند یا همان علت نخستین که واجب الوجود است، اثبات
می گردد. در شماره آینده به دلایل یگانگی خداوند خواهیم پرداخت



اخلاق فردی - قناعت:

از جمله ویژگی های اخلاقی مورد تاکید ائمه معصومین و بزرگان دین، قناعت و حریص نبودن به مال دنیا است. در زمان کنونی که مشکلات اقتصادی گریبان گیر همه مردم جامعه شده و همه افراد به نوعی در فشار و مزیغ، زندگی می کنند، از جمله راه های کم کردن فشار اقتصادی بر خود و خانواده، استفاده از فرمول پر بازده قناعت است. بسیاری از خواسته های ما با قناعت مرتفع می شوند. اگر فرهنگ قانع بودن در جامعه نهادینه شود، حرص ها و طمع ها، چشم و هم چشمی ها، کلاه برداری ها و..... از جامعه تا حد زیادی ریشه کن خواهد شد. می گویند مردی بر شخصی گذر کرد که نان و سبزی و نمک می خورد. به او گفت: ای بنده خدا، از دنیا به همین خرسندی؟ گفت: می خواهی کسی را به تو نشان دهم که به بدتر از این خرسند است؟ گفت: آری. گفت: آن که به عوض آخرت به دنیا خرسند است. در روایت داریم که امام سجاد(ع) فرمودند: هر کس به آنچه خداوند به او داده است قناعت کند، از بی نیازترین مردم می باشد. ملاک فقر و غنای مادی همان قناعت و عدم قناعت است و هر چه فرد قانع تر باشد، بی نیاز تر خواهد بود و اگر قانع نباشد، با داشتن همه جهان هستی، باز هم فقیر است. به قول سعدی: "ده آدمی بر سفره ای بخورند و دو سگ بر مُرداری با هم به سر نبرند؛ حریص با جهانی گرسنه است و قانع به نانی سیر؛ حکما گفته اند: توانگری به قناعت، به از توانگری به بضاعت". اساساً بسیاری از جنگ ها و کشورگشایی های سلاطین و پادشان گذشته بر سر همین حرص و طمع، شکل گرفته است ولی در نهایت بزرگترین کشورگشایان تاریخ هم بجز قبری تنگ و تاریک چیزی نسبیشتان نگردید. البته تحصیل مال دنیا ناپسند نیست بلکه حُب مال دنیا ناپسند است. انسان باید به فکر تحصیل مال در حد آسایش خود و خانواده اش از راه حلال باشد ولی این تحصیل مال نباید باعث حرص و طمع انسان شود.

آن شنیدستی که روزی تاجری
گفت چشم تنگ دنیا دوست را
در بیابانی بیفتاد از ستور
یا قناعت پر کند یا خاک گور



مثل چمران بمیرید!

چمران وقتی یتیم خانه ای را در لبنان دایر کرده بود، در آن فضا به خانم خودش می گوید ما غذایی را من بعد می خوریم که این یتیم ها می خورند. خانمش می گوید یک وقت مادر من برای من و مصطفی غذای گرم و خوبی را پخته بود. مصطفی دیروقت به خانه آمد. به مصطفی گفتم که بیا این غذا را بخور. آمد بنشیند بخورد، برگشت از من پرسید که آیا بچه ها هم از همین غذا خوردند؟ من به چمران گفتم نه، بچه ها غذای یتیم خانه را خوردند، این غذا را مادرم پخته برای شما، شما بنشین بخور. می گوید چمران با تمام گرسنگی ای که داشت و ولعی که برای خوردن این غذا داشت، غذا را گذاشت کنار و گفت نه! ما که قرار گذاشتیم فقط غذایی را بخوریم که بچه ها بخورند. خانم چمران می گوید که من بهش گفتم بچه ها که الآن خواب هستند! شما که همیشه رعایت می کنی، حالا این دفعه مادر من غذا درست کرده، بخور دیگر! می گوید چمران شروع کرد اشک ریختن. گفت بچه ها خواب هستند، خدای بچه ها که بیدار است! این در کلمات حضرت امام کمتر به چشم می خورد اسم خاص ببرند و او را اسوه قرار بدهند. فرمود مثل چمران بمیرید.

(خاطره از حجت الاسلام علیرضا پناهیان، پیاده شده از سخنرانی ایشان در ۱۵ رمضان ۱۳۹۵)

